

## اهداف مجازات در جرایم حدی و نقش اخلاق در آن<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۸/۱۱، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

سمیه اکبری اقدام هریس

سطح سه، رشته فقه و اصول، مدرسه علمیه قاسم بن الحسن (ع)، تهران، ایران

### چکیده

از آن جا که حقوق بیان گر ارزش های هر جامعه است رابطه بسیار نزدیکی بین حقوق جزا و اخلاق به وجود می آید. دسته بزرگی از قوانین کیفری از اخلاق متأثر شده است که از آن جمله قوانین کیفری در حدود می باشد. قتل، دزدی، کلاهبرداری، خیانت در امانت و مانند این ها از اعمال منافی اخلاقی است که بوسیله قانون نیز منع شده است و مجازات برای زمانی است که انحرافات اخلاقی از دامنه ی فردی خارج و به جامعه برسد و در نهایت این اخلاق است که می تواند به کمک حقوق جزا به تخفیف مجازات بینجامد و در نتیجه حقوق جزا هیچ گاه از اخلاق جدا نیست. این که چه رفتاری را باید ممنوع اعلام کرده و کدام یک را می توان از دایره اعمال قانونی خارج کرد، سؤالاتی است که باید در حوزه های فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق برای آن ها پاسخی یافت. این نوشته درصدد است اهداف مجازات در جرایم حدی را به عنوان یکی از قوانین کیفری مورد بررسی قرار دهد و نقش اخلاق در آن را بیان کند. مقاله حاضر بر اساس نگرش از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و نقلی است. جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای بوده که با بررسی کتب مرتبط با موضوع فقه، حقوق و اخلاق مطالب به صورت فیش برداری گردآوری شده است.

**واژگان کلیدی:** حقوق جزا، اخلاق اسلامی، تخفیف مجازات، تشدید مجازات، حدود

<sup>۱</sup> این مقاله به عنوان یکی از ده مقاله برتر پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) پذیرفته شد و به صورت رایگان در نشریات وابسته به موسسه قانون یار پذیرش و چاپ شد.

## مقدمه

هر نظام حقوقی نسبت به مبانی اندیشه و عقاید خود محدوده جرم ها و مجازات ها را تعیین می کند. نظام حقوق غرب متأثر از اندیشه های لیبرالیستی گرایش حداقلی حمایت از اخلاقیات را انتخاب کرده است. برخلاف آن، نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران بنا دارد از اخلاق حمایت بیشتری کند. جرم زدایی و کاهش تورم کیفری مساله ی روز دستگاه های قضایی بوده و نه تنها در جامعه ی ما بلکه موضوع بحث جامعه ی جهانی است. آن چه نسبتاً مورد وفاق همه جوامع است ارزش ها و هنجارهایی می باشد که حفظ و نگهداری آن ها برای سعادت نوع بشر و زندگی انسانی او در دنیا ضرورت دارد. نیاز به توضیح نیست که مهم ترین هنجارهای پذیرفته شده ی هر جامعه را اخلاقیات تشکیل می دهند اما باید متذکر شد که رابطه ی حقوق کیفری با اخلاق چندان بررسی نشده است.

## بخش اول: مفهوم حد

در ابتدا به بررسی واژه حد و حدود پرداخته می شود.

## بند اول: حد در لغت

در کتب فقهی و کتاب قانون مجازات اسلامی یکی از مجازات های مقرر حدود است که ابتدا به بررسی مفهوم حدود پرداخته خواهد شد. «حدود جمع حد است و حد در لغت نامه دهخدا حایل میان دو چیز، حازم میان دو شی و فاصل میان دو چیز

تعریف شده است.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۷۷۱۴) همچنین «حد را کناره چیزی، انتها، کرانه نیز معنا کرده اند.» (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۸۴)

در لغت نامه های عربی حد را این گونه معنا کرده اند :

«الْحَدُّ: الْفَصْلُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ لِئَلَّا يَخْلُطَ أَحَدُهُمَا بِالْآخِرِ أَوْ لِيُتَعَدَّى أَحَدُهُمَا عَلَى الْآخِرِ وَجَمْعُهُ حُدُودٌ. وَفَصْلٌ مَا بَيْنَ كُلِّ شَيْئَيْنِ: حَدٌّ بَيْنَهُمَا وَنَتَهَى كُلُّ شَيْءٍ حَدَّهُ.» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۴۰) و (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۱۰) حد فاصل میان دو چیز است تا این که یکی از آن دو با دیگری مختلط نشود یا یکی از آن دو به دیگری تعدی و تجاوز نکند و جمعش حدود است و فاصل میان دو چیز جداست میان آن دو و انتهای هر چیزی نیز حد است. «در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی حد به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است.» (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۳)

## بند دوم: حد در اصطلاح

«حد: مجازات خاص به درد آوردن بدن مکلف به علت ارتکاب معصیتی خاص از سوی اوست که شارع، میزان آن را در همه افراد مشخص نموده است.» (ریاض طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۴۱۵) «موضوع حد، گناه است که دانشمندان حقوق جزا از آن با عنوان جرم تعبیر کرده اند.» (گرجی، ۱۳۸۵، ص ۱۱) در فقه نیز فقهای گذشته و متاخر ضمن اشاره به معنای لغوی، متذکر شده اند که در شرع، حد به معنای عقوبت و مجازات خاص معین شده از ناحیه شارع است؛ مثلاً مرحوم محقق حلی در

شرایع می گوید: «لا کل ماله عقوبه مقدره سمي حداً» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۴۴)

### بند سوم: انواع جرایم حدی

فقها در جرایم مستوجب حد، اختلاف نظر دارند، برخی همچون محقق حلی و امام خمینی جرم حدی را چنین برشمرده اند: زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرابخواری، سرقت و محاربه. (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ص ۴۸۲-۴۵۵) و (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۲۳، ص ۳۲۹) برخی نیز تا هفده مورد را جرم حدی دانسته اند: زنا، لواط، تفخیز، ازدواج، دخول مرد مسلمان با زن ذمیه بدون اذن زوجه مسلمان، بوسیدن پسر بچه ای از روی شهوت توسط محرم، مساحقه، قوادی، قذف، سبّ النبی، ادعای پیامبری، سحر، شرب مسکر، سرقت، فروش انسان حر، محاربه، ارتداد و از بین بردن پرده بکارت زنی با انگشت. (موسوی خویی، بی تا، ج ۱، ص ۵۴-۳۳) قانون مجازات اسلامی نیز برای جرم حدی هشت مورد را نام برده است: «باب اول: حد زنا، باب دوم: حد لواط، باب سوم: مساحقه، باب چهارم: قوادی، باب پنجم: قذف، باب ششم: حد مسکر، باب هفتم: محاربه و افساد فی الارض، باب هشتم: حد سرقت.» (قانون مجازات اسلامی، مواد ۲۰۳-۶۳)

۱ - زنا: «رابطه جنسی و نزدیکی مرد بالغ عاقل مختار با زنی که اصالتاً بر وی حرام است بدون عقد و بدون شبهه عقد با علم به تحریم به هنگام نزدیکی.» (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۲۵۸) بعضی از حقوق دانان: «زنا عبارت است از رابطه

جنسی زن و مرد به طور نامشروع در صورتی که در حین نزدیکی در غیر مشروع بودن عمل خود آگاه باشند.» (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۶۶)

۲ -لواط: «هم جنس گرایی مردان را لواط گویند. و أما اللواط فهو وطئ الذاکران..» (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۳۷۴)

۳ -مساحقه: «به معنای همجنس گرایی زنان با اندام تناسلی است. الذی هو وطئ المرأة..» (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۳۸۷)

۴ -قیادت و قوادی: «عبارت است از جمع کردن زنان و مردان برای زنا یا جمع کردن مردان برای لواط و یا زنان برای مساحقه. و هی الجمع بین الرجال و الفساد للزنا و بین الرجال و الرجال و بین النساء و النساء للسحق.» (موسوی خویی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۰۳)

۵ -قذف: «و هو الرمی بالزنا أو اللواط» (موسوی خویی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۰۳) نسبت زنان یا لواط دادن به دیگری.

۶ -شرب خمر: «من شرب المسکر أو الفقاع عالمأً بالتحريم» (موسوی خویی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۲۴) کسی که می نوشد مسکر یا فقاع (ماده ای که عقل آدمی را زایل می کند) در حالی که عالم به حرام بودن آن است.

۷ -محاربه و افساد فی الارض: محاربه یعنی «و هی تجريد السلاح برأ أو بحرأ لیلاً أو نهارأ لاخافه الناس فی مصر و غيره، من ذکر أو أنثی قوی أو ضعيف.» (شهید ثانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۵) کشیدن سلاح برای ترساندن مردم چه در بیابان چه در دریا، شب

باشد یا روز، در شهر باشد یا غیر شهر، از سوی مرد باشد یا زن، قوی باشد یا ضعیف. و افساد فی الارض یعنی فساد کردن در زمین.

۸- سرقت: «عبارت است از این که انسان بالغ و عاقل حداقل به مقدار ربع دینار به طور مخفیانه از مال غیر پدر در سال فراوانی و از مالی که شبهه ندارد که مال غیر است از ضرر اخذ نماید و بردارد.» (شهید ثانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۴۱)

## بخش دوم: مفهوم اخلاق

خداوند برای خلقت انسان اهدافی داشته که مهم ترین آن سعادت و کمال انسان است و برای رسیدن به سعادت و کمال باید به تحصیل برخی فضایل انسانی پردازد که از آن جمله اخلاق اسلامی است.

## بند اول: اخلاق در لغت

اخلاق در لغت به معنای «خوی ها، طبع ها، سرشت ها، عادات و دین است.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۲۹۶) فرهنگ معین نیز اخلاق را «خلق و خوی ها» (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۷) تعریف می کند. ابن منظور در کتاب خود، لسان العرب در معنای لغوی آن آورده است: «هو الدین و الطبع و السجیئة، و حقیقه أنه لصورة الانسان الباطنة و هی نفسة و اوصافها و معانیها المختصة لها بمنزلة الخلق لصورته الظاهرة و اوصافها و معانیها و لهما اوصاف حسنة و قبیحة.» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۹۴) علامه راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ قرآن در رابطه با اخلاق می گوید: «و الخلق و الخلق فی الاصل واحدٌ كالشرب و الشرب و الصوم و الصوم،

لكن خُصَّ الخَلْقُ بالهَيئات و الاشكال و الصُّوَرِ المُدْرَكَةِ بِالْأَصَرِّ وَ خُصَّ الخَلْقُ بِالْقُوَى و السَّجَايا المُدْرَكَةِ بِالْبَصِيرَةِ.» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۹۷) اخلاق جمع خلق و خلق در اص یکی است، مثل شرب و شرب و صوم و صوم، ولی کلمه خلق مخصوص اشکال و اجسام و صورت هایی است که با حواس درک می شوند و خلق ویژه قوا و سجایایی است که با فطرت و دید دل درک می شوند.» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۳۵) و «خلق هم فضایل و بهره هایی است که انسان با اخلاقی کسب می کند.» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۳۵)

### بند دوم: اخلاق در اصطلاح

هنگامی که صحبت از اخلاق می شود مقصود علم اخلاق است. «علم اخلاق که آن را علم تهذیب نیز نامیده اند دانشی است که در آن کوشش می شود تا هیات ترسیم شده در نفس، منشأ فضایل گردد و نفس از رذایل پاک شود. از دیدگاه حکمای اخلاق حقیقت و اصل انسان، نفس اوست و منشأ فضایل و رذایل یا خوی های نیک و بد نیز نفس انسانی است.» (صدر و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۲) اخلاق را در حکمت عملی که علم تهذیب اخلاق، تدبیر منزل، سیاست مدن در بر می گیرد گویند. سخن خواجه نصیر هم مبنی بر این که «حکمت: قیام نمودن به کارهاست چنان چه باید.» (صدر و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۹) با مراجعه به منابع اصیل اسلامی در علم اخلاق و با دقت بر موارد کاربرد آن در قرآن و احادیث و علم اخلاق را می توان چنین نیز تعریف کرد: «و آن علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن ها را معرفی می کند و شیوه تحصیل

صفات نفسانی خوب و انجام دادن اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می دهد.» (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۰۱) با توجه به آن چه گفتیم می توان علم اخلاق را چنین تعریف کرد: «علم اخلاق علمی است که رذایل و فضایل انسانی را بر شمارد و راه های کسب فضایل و رفع و دفع رذایل را به ما می آموزد.» (غروی، ۱۳۷۹، ص ۲۶) می توان مبانی و اصول اخلاقی را به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم کرد. مبانی اخلاق فردی شامل خودشناسی، تفکر، محاسبه نفس، کرامت، عزت، رضا، تسلیم، توکل، شکر و... می شود و مبانی اخلاق اجتماعی شامل آزادگی، راستگویی، عدالت اجتماعی، ستم ستیزی، صله رحم، تعاون، حسن خلق و... می شود.

### بخش سوم: نقش اخلاق در تشریح مجازات های حدی

«یک نظام حقوقی هماهنگ نظامی است که تمام اجزای آن به صورت هماهنگ به سمت یک هدف در حرکت است. نظام حقوقی اسلام نیز به تاسی از این روش به وضع قوانین پرداخته است. ارتباط با نیروی فوق بشری باعث شده تا این قوانین با تکوین آفرینش انسان و جهان هماهنگ می باشد و مطابق با نیازهای حقیقی انسان در ابعاد مختلف مادی و معنوی آن پی ریزی شوند» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۰) و «از این جهت است که نقش اخلاق در آن تاثیر به سزایی دارد. در اسلام کیفرها به عنوان رحمت الهی مطرح است این رحمت ویژه جامعه نیست بلکه فرد بزهکار را نیز در بر می گیرد. نظام کیفری اسلام جرایم را بر اساس مصلحت نوع انسان و صلاح

آرامش و امنیت عمومی تشریح کرده است. در نتیجه بین اهداف کلی شریعت و اهداف مجازات ها، تضاد و یا شکافی وجود ندارد.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۰)

### **بخش چهارم: اهداف خاص در جرایم حدی و نقش اخلاق در آن**

«قانون گذار اسلامی در هنگام تشریح احکام حدود، اهداف خاصی را مد نظر داشته که همگی دنباله روی هدف اصلی نظام حقوقی و اجرای عدالت با تعیین یک سیاست جنایی مناسب و هم سو با سایر تعالیم دین، از مهم ترین اهداف نظام کیفری حاکم بر حدود می باشد.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۰) «سیاست جنایی پیش بینی شده برای رسیدن به این اهداف، اصول و قواعد خاص خود را دارد که ناشی از ارتباط دوسویه و محکم بین اخلاق و جرم انگاری اعمال است. این ارتباط به حدی است که بر ماهیت جرم نیز تاثیر گذاشته و تا حدود زیادی به آن جنبه اخلاقی داده است. در جرایم حدی این ارتباط بیشتر به چشم می خورد. فی الواقع رابطه جرم با حرام و حلال های دین، عموم و خصوص من وجه است.» (علیرضا فیض، ۱۳۸۱، ص ۷۴-۷۱) و این ارتباط دوسویه بین اخلاق و جرم انگاری باعث شده که بسیاری از قوانین جزایی از اخلاق متاثر شوند و اگر این تاثیر وجود نداشته باشد شاید قوانین جزایی کارآمدی شایانی نداشته باشند.

### **بند اول: پیش گیری از ارتکاب جرایم حدی**

حدود به عنوان یکی از مجازات های اسلامی نقش مهمی در پیش گیری از ارتکاب جرایم دارد. در سیاست جنایی جرایم حدی، پیش گیری از ارتکاب جرایم از سه جهت قابل توجه است:

۱- از نظر جرم انگاری: در این مرحله تاکید قانون گذار بر قبح ذاتی این گونه اعمال است و اخلاق تعریف شده به وسیله فطرت پاک انسان بیشترین استفاده شده است.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۰) قبح ذاتی این اعمال است که خداوند در آیات مربوط به تحریم و نکوهش زنا، فحشا بر قبح ذاتی این اعمال تاکید کرده است: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، ۴۲)

«و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی ناپسند است».

«زیرا گاه تکرار یک عمل موجب می شود فطرت انسان به مرور بر آن صحنه گذاشته و آن را مطابق با اصل بداند. پس این موجبات اجزای مجازات حدی را باعث می شود. در کنار تاکید بر مغایر بودن اعمال مجرمانه حدی با فطرت انسان، روایات مختلف گاه در صدد بیان آثار سوء اجتماعی ناشی از جرایم برآمده اند. توضیح این که عدم رعایت مکارم یا توصیه های اخلاقی در ارتکاب جرایم حدی تاثیر گذار است.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۱) برای روشن شدن بحث به یک نمونه اشاره می شود: «در آیات و روایات مربوط به ماجرای قوم لوط، بخل و حرص این قوم و عدم رعایت پاکیزگی و بهداشت شخصی، علت گرایش این قوم به ارتکاب لواط معرفی شده است. این قوم میل جنسی به این عمل نداشته اند بلکه آثار ناشی از بخل در وجود آن ها، سوق به ارتکاب چنین عملی را در پی داشته است بدون این که در پی لذت جنسی باشند.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۴۷ و ۵۴۸) «این نمونه موید تاثیر و تاثر متقابل نقض مکارم اخلاق و ارتکاب جرایم حدی بوده و رابطه ی عمیق

اخلاق و رجرم را در سیستم حقوقی اسلام اثبات می نماید.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۱)

۲- پیش گیری جمعی از طریق ارباب: «در نظام کیفری اسلام، وضع مجازات های شدید برای جرایم حدی، به منظور پیش گیری از وقوع این جرایم بوده است.» (هاشمی شاهرودی، پاییز ۱۳۷۷، ش ۱۵، ص ۷) «هر چند عبرت آموزی یکی از مهم ترین اهداف مجازات های جرایم حدی است ولی در این راه افراط شده و در بعضی موارد به شرایط مجرم هم نگریسته شده است. در اجرای مجازات های حدی، گاه شرایط مجرم باعث تغییر حکم نسبت به وی شده است. به عنوان مثال «اگر مردی دست چپش به عنوان قصاص بریده شده باشد و مرتکب دزدی شود، دست راست و پای چپش بریده نمی شود.» (رضوانی، مهر و آبان ۱۳۷۷، ش ۱۰، ص ۶) و یا «مردی که مرتکب دزدی شده دست چپ او شل بوده نه دست راست و نه پای چپش بریده نمی شوند.» (رضوانی، مهر و آبان ۱۳۷۷، ش ۱۰، ص ۶۰) روایت شده است که امیر المومنین علی (علیه السلام) درباره سارق که مرتکب دزدی شده است حکم می کردند که دست راست او بریده شود و در صورت تکرار، پای چپش بریده شود و در مرتبه سوم به زندان می افتاده است و پای راستش باقی می ماند که بر آن راه رود و قضای حاجت کند و همچنین دست چپ او را باقی می گذاشتند که با آن بخورد و استنجاء نماید و امام علیه السلام می فرمودند: «من از خداوند حیا می کنم که دزد را در حالتی رها کنم که از جوارح و اعضایش استفاده نکند.» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، باب ۵، ح ۱) «در مورد پیش گیری اجتماعی و فردی می توان گفت پیش

گیری از طریق ارباب و اعمال مجازات های سنگین در نوع و ماهیت مجازات های این جرایم نهفته است. ولی این امر، هدف اصلی از تعیین مجازات نبوده است و هدف اصلی از اجرای مجازات بیشتر اجرای عدالت بوده است هر چند نتایج تبعی این نوع کیفرها ممکن است عده ای را از ارتکاب جرم و یا تکرار مجدد آن باز دارد.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۲)

### بند دوم: اصلاح مرتکب

«از اهداف مهم و اساسی اجرای مجازات در هر نظام کیفری، اصلاح مرتکب است. شارع مقدس بر این بوده است تا افراد جامعه دچار جرم و گناه نشوند و در صورت ارتکاب تلاش به اصلاح و تربیت مرتکب و مجرم می باشد.» (احمدی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۲)

### بند سوم: اجرای عدالت

اجرای عدالت از مقاصد کلی شریعت است. متون دینی نشان می دهد که اسلام در بعد اجتماعی بر مقصد عدل تاکید فراوان داشته است. خداوند در سوره اعراف می فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...» (اعراف، ۲۹) «بگو پروردگارم به میانه روی و عدالت فرمان داده ...» «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بی توجهی به اقامه حدود الهی را موجب هلاکت و نابودی برخی اقوام دانسته اند. فقهای امامیه نیز با استناد به روایات، سودمندی حاصل از اجرای حدود در جامعه را بیش از منافع چهل روز بارندگی دانسته اند. از برخی روایات نیز استفاده می شود که اقامه حدود الهی موجب برپایی

عدالت در اجتماع بوده و اجرای عدالت فساد و نابودی از جامعه ریشه کن می نماید. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اجرای حدود حتی سودمندتر از شصت سال عبادت دانسته شده است. (جوان جعفری بجنوردی و ساداتی، پاییز ۱۳۹۲، ش ۶۳، ص ۷۶) در مرحله اجرای کیفر، «هدف سیاست جنایی اسلام از اجرای مجازات بیشتر اجرای عدالت است تا اصلاح مجرم یا پیش گیری از وقوع جرم. در مورد افرادی که امیدی به اصلاح و تربیت آن ها نیست با این وصف هدف و فلسفه مجازات های حدی در این مرحله (اجرای مجازات) نسبت به مجرم و مرتکب سرکش و متجاوز به حدود خداوند و به عبارتی، پاک کردن و تطهیر روح و روان اوست. با توجه به این که اصلاح و تربیت مجرم، مهم ترین دغدغه ی دین اسلام بوده از این رو می توان رگه هایی از اصلاح را در مرحله اجرای کیفر و مجازات نیز مشاهده کرد. امکان توبه، عفو حاکم و.. حاکی از آن است که در کنار هدف اصلی که عدالت است به اهداف و مقاصد دیگری از جمله پیش گیری اجتماعی و اصلاح مجرم توجه شده است.» (رحیمی، ۱۳۹۱، ش ۹۵، ص ۴۳)

### **بخش پنجم: اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مستوجب حد (زنا، لواط، مساحقه)**

جرایم جنسی اصطلاح عامی است که تمامی رفتارهای جنسی نامشروع و غیرقانونی از قبیل زنا، لواط، مساحقه، آمیزش با حیوانات، استمناء، تعرض به عفت و حیا و... را در بر می گیرد؛ ولی در نوشته حاضر مقصود همان زنا، لواط و

مساحقه که از جرایم جنسی مستوجب حد می باشند صحبت می شود و در مقام بیان حکمت و فلسفه آنهاست که در مباحث گذشته به تعریف فلسفه اشاره شد.

### بند اول: حفظ ارزش های اخلاقی و کرامت انسانی

در دین اسلام انسان موجودی ارزشمند و شریف است و خداوند انسان را «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مومنون، ۱۴) نام نهاده و انسان را در بیان به فرشتگان به «خليفة الله» (بقره، ۳۰) جانشین و خلیفه خود یاد کرده است. و در آیه ۳۴ سوره بقره فرشتگان به سجده و کرنش در برابر انسان امر نمود (بقره، ۳۴) و حتی بر کرامت و ارزش انسانی تصریح نموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسرا، ۷۰) «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم». از این رو «تمامی احکام و دستورات شریعت نیز در راستای حفظ کرامت ذاتی انسان و نیل به ارزش های والای اخلاقی وضع گردیده است.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۴) بنابراین می توان گفت «یکی از معیارهای و ملاک های اصلی که شارع مقدس در ایجاد عناوین مجرمانه مد نظر داشته است توجه و عنایت به ارزش های اخلاقی و رعایت حرمت آن ها بوده است. آن دسته از رفتارهای جنسی که در شریع مقدس اسلام ممنوع و جرم تلقی شده اند با ارزش ها و فضایل اخلاقی در تضاد می باشند به گونه ای که هر صاحب ذوق سلیم به این امر گواهی می دهد.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۴)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسرا، ۳۲)

«به زنا نزدیک نشوید چه آن کاری بس زشت و بد راهی است.»

راغب اصفهانی درباره لغت فاحشه این گونه می نویسد: «و الفاحشه: ما عظم قبحه من الافعال و الاقوال.» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳ق، ص ۶۲۶) فاحشه به چیزی اطلاق می شود که قبح و زشتی آن بسیار بوده و فوق العاده مذموم است و این تعبیر در آیه نشان گر قباح و نهایت زشتی این عمل است.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۴) در رابطه با عمل زشت لواط نیز خداوند در قرآن مجید در آیات متعدد آن را با عناوین «فاحشه» (عنکبوت، ۲۸) و (اعراف، ۸۰) و عملی «خیث» (انبیاء، ۷۴) بیان کرده است که این تعبیر قباح و زشتی ذاتی عمل را به خوبی نشان می دهد.

### بند دوم: حفظ کیان خانواده

نهاد مقدس خانواده به عنوان مقدس ترین و بنیادی ترین رکن در شریعت اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و هست. و خداوند در قرآن کریم آفرینش همسر برای انسان را یکی از نشانه های الهی دانسته و می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱)

«و از نشانه های خداوند این است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۵) در اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می

فرماید: «ما بنی بناء فی الاسلام أحب الی الله عزوجل من التزویج» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۵، ح ۴) هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از ازدواج نیست.

با توجه به آن چه گفته شد «برای حفظ سلامت اجتماع و رشد و تعالی آن باید به فکر حفظ استحکام و سلامت خانواده بود و با دقت در آثار و نتایج شوم روابط جنسی نامشروع و انحراف جنسی مرد و زن می توان دید که موجبات نابودی و ضربه زدن به اساس و بنیان خانواده را پیش بینی کرد.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۵)

«مهم ترین چیزی که ویژگی اساسی خانواده یعنی رحمت و دوستی و محبت را مخدوش نموده و زمینه را برای انهدام خانواده فراهم می سازد، زنا و روابط نامشروع جنسی است. روابط جنسی مانند موربانه ای که تار و پود مهر و محبت زن و شوهر را خورده و آن را از درون متلاشی می سازد.» (سبحانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۴) «مطابق بررسی های به عمل آمده در پاره ایاز کشورها درصد قابل ملاحظه ای از دلایل طلاق و فروپاشی خانواده ها مربوط به خیانت زوجین به یکدیگر و روابط نامشروع بوده است.» (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۴۹) «باید توجه داشت که همان گونه که روابط جنسی نامشروع در انهدام و فروپاشی خانواده ها موثر است در جلوگیری از تشکیل خانواده نیز نقش به سزایی دارد. در نتیجه گسترش فحشا یکی از علل کاهش ازدواج است.» (سبحانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۴-۹۵) «تاثیرات سوء هم جنس بازی زنان و مردان نیز بر کانون خانواده روشن و بی نیاز از هر توضیحی است و در این زمینه نمونه های

عینی نیز وجود دارد که هم چنس بازی موجب فرو ریختن بنیان خانواده گردیده است.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۷)

### بند سوم: بقا و تکثیر نسل

مقصود اصلی از به ودیعه گذاشتن غریزه جنسی در وجود آدمی بقا و ازدیاد نسل می باشد در دین مقدس اسلام اصل اولیه بر ازدیاد نفوس و تکثیر نسل بوده و این موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است و قرآن کریم در بیان نعمت الهی فراوانی فرزندان را یکی از آن ها دانسته و می فرماید: «و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک می کند و باغ های سرسبز و نهادهای جاری در اختیارتان قرار می دهد.» (نوح، ۱۲) در احادیث نیز به آن تاکید فراوان شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «اکثروا الولد أکثر بکم الامم غداً.» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۹۶، ح ۸) فرزندان زیادی طلب کنید که من فردای قیامت به زیاد بودن امتم افتخار می کنم. در حدیثی از امام رضا (علیه السلام) آمده است که ایشان می فرماید: «حرم الزنی لما فيه من الفساد من قتل النفس و...» (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۷۹) زنا تحریم شده است به خاطر مفسادی از قبیل قتل نفس .

در این حدیث شریف یکی از دلایل حرمت زنا قتل نفس ذکر شده است که می تواند ناظر به سقط جنین و از بین بردن فرزندان نامشروع باشد. «اگر زنا در جامعه ای شایع شود یکی از نتایج قهری آن، در معرض خطر قرار گرفتن نسل انسان است. چرا که در روابط نامشروع جنسی، تنها انگیزه همان ارضا شهوت و کامیابی جنسی است.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۳۹)

عمل زشت و شنیع لواط نیز با امر مهم بقای نسل در تغایر بوده و مانعی بزرگ در راستای ازدیاد نسل می باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ ...»

(عنکبوت، ۲۹) «آیا به سراغ مردان می روید و راه قطع می کنید؟»

«منظور در این آیه از قطع راه، قطع زندگی زناشویی و قطع نسل می باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۲۵۵)

مساحقه نیز انحراف و کجروی بزرگی است که بقای نسل بشر را با خطر جدی مواجه می نماید. امام رضا (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: «و لیافی ایتان الذاکران للذاکران، و الاناث للاناث من انقطاع النسل، و فساد التدبیر و خراب الدنیا.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۲۵۱، ح ۸) آمیزش مردها با مردان و زن ها با زن ها، مفاسدی از قبیل قطع نسل، فاسد شدن تدبیر و ویرانی دین را به دنبال دارد. از این رو شارع مقدس اسلام برای حفظ و بقای نوع بشر عمل ناپسند مساحقه و لواط را حرام نموده تا مردان برای ارضای غریزه جنسی سراغ زنان بروند و نسل بشر استمرار و تداوم یابد.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

#### بند چهارم: حفظ سلامت انسان

«نعمت سلامتی بزرگ ترین نعمتی است که خداوند به انسان عطا نموده است تا انسان با داشتن روحی سالم و جسمی توانمند در انجام تکالیف و دستورهای الهی موفق باشد تا به کمال و سعادت که هدف انسان از آفرینش است دست یابد. یکی از

آثار شوم روابط جنسی نامشروع به خطر انداختن سلامتی انسان و آلوده کردن او به انواع بیماری ها می باشد. شیوع بیماری های مقاربتی از قبیل سفلیس، سوزاک و شانکر در اثر بی بندوباری جنسی گریبان گیر جامعه می گردد که آمارهای زیادی نیز در این زمینه از سوی مجامع تحقیقاتی و پزشکی ارایه شده است.» (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۴۸، ص ۱۱۳)

«در روابط نامشروع چون زنا بسیاری از بیماری های مقاربتی از جمله ایدز که بدترین نوع بیماری مقاربتی است انتقال می یابد. همچنین تولد توزادان معلول و مریض نیز یکی دیگر از پیامدهای زنا است. لواط نیز علاوه بر آن که باعث انتقال بیماری های واگیردار امراض مقاربتی می شود عوارض دیگر از قبیل آسیب های شدید به --- و ناراحتی های پوستی از خود به جا می گذارد و علاوه بر امراض جسمانی خطرناک، عمل لواط باعث بیماری های روحی نیز می گردد. مردی که خود را در اختیار دیگران قرار می دهد و حاضر می شود که مردان دیگر مانند زنان با او ارضای شهوت نمایند به تدریج این عمل برای او لذت بخش می شود و این برای او یک بیماری به شمار می آید.» (مظفری، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۱۴-۲)

### **بخش ششم: فلسفه مجازات در جرایم علیه عفت عمومی (قوادی، محاربه، فساد فی الارض)**

جرایم عفت عمومی در قالب اشاعه فحشا و فساد صورت می گیرد که به دو مورد از فلسفه مجازات آن ها پرداخته می شود.

## بند اول: دفاع از جامعه

آموزه های اسلامی به گناه آشکار و تلاش در جهت نقض عفت عمومی جامعه حساسیت بیشتری نشان داده است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «فإذا عمل بها علانية و لمیغیر علیه أضرت بالعمامة...» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، باب ۴، ح ۱) هر گاه گناه آشکار انجام پذیرد و با آن مبارزه نشود به عموم مردم زیان می رساند. امام صادق (علیه السلام) در تفسیر حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «و ذلک أنه یذل بعمله دین الله و یقتدی به اهل عداوة الله.» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، باب ۴، ح ۱) زیرا گناه آشکار مایه خواری دین شده و سبب می شود که تا دشمنان خداوند هم به گناه و فساد روی آورند. دفاع از جامعه گاه با به کارگیری مجرم برای نفع رسانیدن به جامعه محقق می شود و گاهی کیفرهای مالی هم چون یکی از گزینه های کیفری به ویژه در مورد بزهکاران سودجو، سودمند است.

## بند دوم: اصلاح و تربیت بزهکار

«حساسیت آموزه های اسلامی به نقض عفت عمومی و لزوم دفاع از آن و نیز توجه به قربانیان جرم، با راهبرد اصلاح و تربیت بزهکاران منافات ندارد هر چند طراحی سازوکارهایی که بتواند هم زمان این اهداف را تامین کنند مشکل است و امکان موفقیت نسبی خواهد بود.» (نوربهار، ۱۳۸۹، ص ۲۸۷)

## نتیجه گیری

### • جمع بندی

ارتباط قوانین کیفری و اخلاق و نقش اخلاق همواره جزو مهم ترین دغدغه های فلاسفه حقوق و اخلاق بوده است. در حقوق اسلام، اخلاق کلا وارد قلمرو فقه شده است. هر فعلی که اجرای آن مزیتی داشته اجرای آن فعل، پاداش نیک و هر فعلی که ترک آن رجحان داشته، ترک آن نیز پاداش دارد. بنابراین در اسلام کیفرها به عنوان رحمت الهی مطرح است و این رحمت ویژه جامعه نیست بلکه فرد بزهکار و خطاکار را نیز در برمی گیرد. نظام کیفری اسلام جرایم را بر اساس مصلحت نوع انسان و صلاح و آرامش و امنیت عمومی تشریع کرده است. در نتیجه بین اهداف کلی و اهداف مجازات ها تضاد یا شکافی وجود ندارد و در نهایت رعایت قواعد اخلاقی موجب اصلاح نفس انسان شده و اخلاقیات فرد را برای تشکیل یک جامعه به دور از بی نظمی و ظلم تربیت می کند و این همان هدفی است که قواعد حقوقی نسبت به آن تدوین می شود.

### • راهکار

در جرایم حدی که از سوی شارع مشخص شده است مراجع قضایی و دستگاه های مرتبط می توانند با اجرای مبانی و اصول اخلاقی به پیشگیری هر چه بیشتر و بهتر جرم و اصلاح مجرم پردازند و این با برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی برای خانواده های آسیب پذیر و آسیب دیده از جرم و همچنین در مجامع و مراکز عمومی

میسر می شود. راهکار دیگر تنظیم بروشورهای آموزشی و توزیع آن در مراکز علمی و ادارات و مدارس می باشد.

#### • پیشنهاد

به محققان و پژوهشگران محترم پیشنهاد می شود که در این باره پژوهش های گسترده ای انجام دهند. به طور مثال پژوهش هایی با عنوان این که محدوده پیاده شدن اخلاق در دستگاه های قضایی در جرایم حدی و دیگر جرایم را بیان دارند.

## منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد ....

## الف) کتب فارسی

۱. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، ج ۶، تهران: روزنه.
۲. رشاد، علی اکبر؛ (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۴، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. ساروخانی، باقر؛ (۱۳۷۲). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوارض آن، تهران: دانشگاه تهران.
۴. سبحانی تبریزی، جعفر؛ (۱۳۸۸). منشور جاوید، ج ۱۰، چ ۳، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۵. صدر، احمد و همکاران؛ (۱۳۹۱). دایرة المعارف تشیع، ج ۲، تهران: حکمت.
۶. عمید زنجانی، عباسعلی و دیگران؛ (۱۳۴۸). بلاهای اجتماعی قرن ما، چ ۲، قم: طباطبائی.
۷. غروی، محسن؛ (۱۳۷۹). فلسفه اخلاق، چ ۲، قم: پیک جلال.
۸. فیض، علیرضا؛ (۱۳۸۱). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام (چ ۶)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۹. گرجی، ابوالقاسم؛ (۱۳۸۵). حدود تعزیرات و قصاص، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. محقق داماد، مصطفی؛ (۱۳۷۹). نکاح و انحلال آن (ج ۷)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۱۱. معین، محمد؛ (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی، ج ۱، چ ۴، تهران: آدنا.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، ج ۱۵، چ ۴۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

۱۳. موسوی خمینی، روح الله؛ (۱۳۹۰). تحریر الوسیله (مباحث حقوقی تحریر الوسیله) (ج ۲)، تهران: مجد.

۱۴. موسوی خویی، ابوالقاسم؛ (۱۴۲۸ق). مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، چ ۳، قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی.

۱۵. نوربهار، رحیم؛ (۱۳۸۹). اهداف مجازات ها در جرایم جنسی، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

## ب) کتب عربی

۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ (۱۳۸۶ق). علل الشرایع، ج ۲، قم: مکتبه الداوری.

۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۰۸ق). لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه، ج ۱۸، چ ۵، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ (۱۴۲۳ق). مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه.

۲۰. ریاض طباطبائی، سید علی؛ (۱۴۰۴ق). ریاض المسایل، ج ۱۳، قم: آل البيت.

۲۱. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر؛ (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (چ ۷)، ج ۴۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۲. مروارید، علی اصغر؛ (۱۴۱۰ق). سلسله الینایع الفقهیّه، ج ۲۳، بیروت: فقه الشیعه.

۲۳. موسوی خویی، ابوالقاسم (بی تا)؛ تکملة المنهاج، ج ۱، بی جا: بی نا.

### ج) نشریات

۲۴. رحیمی، ابراهیم؛ (۱۳۹۱). «فلسفه تشریع جرایم حدی»، ماهنامه دادرسی،

۲۵. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، سید محمدجواد ساداتی؛ (۱۳۹۲). «عظمت نمادین حدود و موانع اجرایی آن تاملی فلسفی و جامعه شناختی»، فصلنامه دیدگاه حقوق قضایی، ش ۶۳.
۲۶. رضوانی، غلامرضا؛ (۱۳۷۳). «عضوی که به عنوان حد یا قصاص بریده شود آیا جایز است مجددا چسبانده شود یا نه؟»، ماهنامه دادرسی، تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح، ش ۱۰.
۲۷. مظفری، حسن؛ (۱۳۹۳). «مبانی جرم انگاری در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلامی»، مجله فقه و اجتهاد، ش ۱.
۲۸. هاشمی شاهرودی، محمود؛ (۱۳۷۵). «کاوشی درباره اختیار ولی امر در عفو کیفرها»، مجله فقه اهل بیت، ش ۷.

### چ) سایت

۲۹. سایت نورلایب [www.noorlibe.ir](http://www.noorlibe.ir)
۳۰. سایت نورمگز [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)
۳۱. سایت قائمیه اصفهان [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)